ادراک اخلاقی و جنسیت

# چکیده

به اقتضای توسعه یافتگی جوامع، حضور اجتماعی زنان و تلاش گروه­های مدافع حقوق زنان، مباحث جنسیتی در کانون توجه قرار گرفته است. گزارشی از تاریخچه روانشناسی جنسیت حاکی از آن است که صاحب­نظران عرصه روانشناسی نیز از این امر مستثی نبوده­اند. يكي از موضوعات بنيادي در روان‏شناسي جنسیت، بررسی میزان مداخله جنسیت بر مساله شناخت است. که مورد توجه برخی از اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است. نوشتار حاضر، درصدد بررسی آن دسته از دیدگاه­هایی است كه ضمن جاگیری درچارچوب‏هاي مفهومي و روشي روان‏شناختي، دارای دو ویژگی­ «توجه به تفاوتهای جنسیتی» و «ناظر به ادراک امور اخلاقی» باشند.

غالبا فروید را به عنوان اولین روانشناس نظریه­پرداز در این عرصه می­شناسند. وی با تاکید بر همانندسازی با والدین، وضعیت متفاوتی را برای دختران و پسران در ادراک امور اخلاقی طرح می­کند. پیاژه رشد اخلاقی را تابع رسش ذهنی و تحول روابط اجتماعی دانسته و با تاکید بر عدالت به عنوان مبنای اصلی و اولیه برای اخلاق، گونه­ای از اخلاق جنسیتی را به تصویر می­کشد. کلبرگ حاکمیت اصول اخلاقی جهان­شمول را به عنوان وضعیت غایی اخلاق در نظر می­گیرد و بر آن است که بسیاری از افراد و از جمله زنان به سطوح بالای رشد اخلاقی نمی­رسند، گلیگان ضمن انتقاد به مردانه بودن سطوح اخلاقی کلبرگ، تحلیلی جدید از اصول خلاقی ارائه می­دهد.